

طلا ببره بفتح سند والا اي مصدر ورم اي اكرم المقادير وكم الاموال معاً في الماء زاد الماء
من الماء دم والا كلام شمع الايام احسن عارف اذني زاد الماء
بر حيج صدرين اذني خدم من يركب دفع نابه مصدر دمات د مداره
سکه طغور سکه دعور دهفت شواید بجهه وچسر
ز دهفات سُغَم و غضن مثباته و فرع
بولنام زرکه لریکه
دھنیت ابدر
م

فَالْأَبْرَاجُ كُلُّهُ مُسْدَدٌ وَالْأَيْمَانُ صَدَرُوْمٌ إِلَيْكُمُ الْمَحَادِمُ الْكَوَافِرُ
جَعَ الْمَكَافِنُ وَالْمَكَارِمُ مُنْسَخٌ الْمَغَامُ وَالْأَكَامُ مُعْنَوْنٌ
الْأَبْلَاجُ حَسْنٌ رَافِعٌ أَفْدَى حَسْنَيْكُنْتُ
(فَوَأَوْلَى صَدَرَاتُ وَلِلْمُذَاهَةِ لَطْفُكُنْسَمُ)
جَهْرُكُنْسَتُ فَوَأَبْلَاجُكُنْدَهْ وَمُنْقَفَتُ
شَرْشِمُ وَمُعْنَيْكُنْدَه وَفَعْ وَلَهْ
نَزْكَه لَرْيَكُنْتُ نَسْطَبَهْ
سَنْدَقَه قَوْمُ الْأَوَامُ
نَعْلَه

MESİHAT ARŞİVİ
No :
Orj. No. :
Enel. No. : 9651

٦٣٧

محمد اغا
افزار اغا (اندیم)

میانجا
محمد راغبی

خواست

سکن طبله غلوبیده اور نہ بونی کر فضایل الکوئلی ایکھنے نہ کر امر افریدی ابن ابوگران بن	دوسرے کرد کن طبله غلوبیده اور نہ بونی فریال معنای الاکوئل دیکھو فریال تجھے افریدی
--	---

٤

فیاض و کاربر میشون فیبر سلک خانواده جنسده اور شرکهای فنی فاضی نمود کوچک شد که همراه با دیگر
فاطمه بنت حبیب بن کرد و بعدها اهل حق اور شرکه وضع به اینهمه محمد احمد اخان بن علی مواجه شد
هره لامص اولیاء پیر اخوی و مولوی محمد احمد ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان
میراث بد اینها دست اینجا بریت بد ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان ایشان

مهدی بن جعفر کشک فیضه نذکوره دن
او زون بوجی مزینه فیضه نذکوره دن
ابراهیم اغایان خود
بن خود

ث به امام مفدوخ خادم و معمول ایام او لغای انسو خود شد و برخلاف
ش کار سلیمانی همچو کارهای این بین سخا شد و سوکه خدا نهاده سکان
بلوکه که با این شرط نهاده همچو همین قدرها نیز این بین سخا شد و سوکه خدا نهاده سکان
نمودند و این اتفاق اینجا نباشد بلکه در اینجا نهاده شدند
نهایت این بخش

امانیه شد سه هزار میلیون دلار خواست

فرازه کشیده اند و اینها را می‌گذرانند
که اینها را می‌گذرانند و اینها را می‌گذرانند
که اینها را می‌گذرانند و اینها را می‌گذرانند
که اینها را می‌گذرانند و اینها را می‌گذرانند

شیخ بیدار از قوی عالی، هفبول النہام اول لغای انسنوب خویم و برلای
صدر عارمه دار، فقیه و مام ابی کنکه جهیزی منی خود اذیر نهاده بسبی خدا امینه بسی
غیر الفادر ازدی افریان افی طرسدای ریبا غایب این خطا
این بوج سرین این تجھ این خطا
سرمه ای خوش باغان خود از خوش باغان خود ای خوش باغان خود ای خوش باغان خود

مکانی
تمہارے

مکالمہ

١٤

ذی
العجمة

اشا
حاجی ایش
ضد مردم
بسم رز

十一

اوی
اپ
حافظہ
محمد رشیدی

باقی
نهاد

十一

اعظمه که سنه اولوب مهر و سان بیک دهم اقدم وفات ایمه طبری ازی این عوهد کرد
اگر سنه زده و غیره نمایند خود را می بینند و می بینند می بینند می بینند می بینند
حضرت خواهان بدیده خوفی از نور کار کلید و نرسنیه واله علیه خام و لاهیون فروند ام
حبلخانه از طبقه خوبی و مکان نسبت الکوه از ای اعلی خادم خواه سرمه می کنند و می بینند
نموده از ملک از ادام با خوشیات سبکی خود را بخواهند و خفیه از تجاه خود می کنند و می بینند
حضرت اعیت ایمه طلب ایمه بود و خواسته ایمه بود و خواسته ایمه بود و خواسته ایمه بود
ایمه می کنند و می بینند
ضریل و نزد پدر و می خواست و می خواست و می خواست و می خواست و می خواست و می خواست
افراد از این سه درجه هر چهار طبقه رئیس ایمه بود و می خواست و می خواست و می خواست
ستون شوهره ایمه اسراری خود را بر اینهادت می خواست و می خواست و می خواست و می خواست

ای علی گردان معاشر این صفاتی
ادرنه بویی حسین اغا
خواهد کوئی مخفی نہیں
کوچک این ایمان و ابراهیم
آن حسن طهری
ست بدایم در فرمید عادل و مبغول الیهای اول نهادی مشهود مقدمه دارد
اسن بدل ب علماء خواز
لئنی هم سهند کاری
خواهد کرد کوچی
الله یعنی بصفات
خواهد کرد مخفی نهاد
اذنی این خمر
رسانی
رسانی

لکھو دا لوہ خداوند	لکھو دا لوہ خداوند	لکھو دا لوہ خداوند
مسنی اعابان	مسنی اعابان	مسنی اعابان
خرا غایاں	خرا غایاں	خرا غایاں
بُوسف	بُوسف	بُوسف
بُوسف	بُوسف	بُوسف
ان اندھ	ان اندھ	ان اندھ
امن غایاں	امن غایاں	امن غایاں
لکھو دا لوہ خداوند	لکھو دا لوہ خداوند	لکھو دا لوہ خداوند
مسنی اعابان	مسنی اعابان	مسنی اعابان
خرا غایاں	خرا غایاں	خرا غایاں
بُوسف	بُوسف	بُوسف
بُوسف	بُوسف	بُوسف

۱۹) مذاق شکر از اولین دسته های مذاق شکر

فوازه مجهده و نوع در سین کاره	دعاوه که من شو علاج الدین اذنی	که من شو علاج دی این شیر ارمی	دعاوه که من شو علاج الدین اذنی
بن سین	ابن رفعی	ابن رفعی	ابن رفعی
ت به ان موی الهماء عادل و ضعیل الرئام اوله فاری سه شو محشیه و برد	رسیم اللہ این کرنفو سنه خود پندہ کی حشره و افع	اظھار جین لبی اذنی بجی لفیون اذنی که در کسر دارم	ابن احمد
رسیم اللہ این کرنفو سنه خود پندہ کی حشره و افع	بجی لفیون اذنی که در کسر دارم	اظھار جین لبی اذنی بجی لفیون اذنی که در کسر دارم	ابن احمد
بن سین	بن سین	بن سین	بن سین
سرمه نمک موسای اذنی مسواد عالم که این اذنی مسواد سیده اذنی	مسواد عالم که این اذنی	مسواد سیده اذنی	سرمه نمک موسای اذنی
ابن رفعی	ابن رفعی	ابن رفعی	ابن رفعی
مسواد عالم اذنی مسواد عالم که اذنی مسواد حملونی اذنی	مسواد عالم اذنی	مسواد عالم که اذنی	مسواد حملونی اذنی
ابن رفعی	ابن رفعی	ابن رفعی	ابن رفعی
مسواد حملونی اذنی دسر که کو اپرنس لبک عورمه لبک عورمه لبک عورمه	مسواد حملونی اذنی	مسواد حملونی اذنی	مسواد حملونی اذنی
ابن رفعی	ابن رفعی	ابن رفعی	ابن رفعی
دسر که کو اپرنس لبک عورمه	مسواد حملونی اذنی	مسواد حملونی اذنی	دسر که کو اپرنس لبک عورمه
ابن رفعی	ابن رفعی	ابن رفعی	ابن رفعی
ایران	ایران	ایران	ایران

۲۰۱۷ نیوز لندن اولین فروردین ۱۴۰۰

اذنی
احمد
خان
محمد سعید

غوفاگ
بساکه
پرسک

六

لصوہر

اول فری بله سه
کوچک بارا ده خوب او غل خانه هد و را ف
س کن اوزون بوجی فر مخفی طبیز ده
اخن خدا این تجربه هم
بن خفه

گوچک بیاراده غرب او غل غازنده ب فرا
س کی او زم بوبی ف مصطفی طبرزی
ای خدا غای این خرابین
بن عینه

مخدعه جبار نژاد و الیوم اصفهانی را در خدمت
او زو بوعی فضفالي ابو بکر او شن

ت بهد و زفونه نادل و غصیل انسانم اول ندی انسو خلشن و در لک
کوچک برایم خوب او غذا فانا طا زریل چاره طا زریل چاره طا زریل چاره
او طباشی خراغا السید علی اوزی سین قناغا اسماعیل می خوا
ابن رفعی ابن زلیل ابراهیم رضی

اعضاف افوده ز و اعضا ف افوده ز ^{لکوچی اصل} اعضا ف نهاده اعضا ف افوده ز
شاغابان امماش اف این اعضا بکوچی اعضا این اعضا بکوچی این اعضا بکوچی

اعضه زاده هر فرم پس از این مدت باید مبلغ مدهش
نهاد و اگر اخراج نمایند مبلغ مدهش را باید باز پرداخت کنند.
این مبلغ در این میان از اعضا اخراج شده است
و لازم است این اعضا اخراج شده را باز پرداخت کنند.

جواہر
ابراهیم
بدنفر فرم بندما

فیلزه کس ر، فیلزه بی نبیه سکن لایه ^{بی سکن} اولوب ره افندی س پیغام فهر و معرفه اولما
ادون بیوی الکوزل زن فایی صن هن دن بکرمه بیت این کد زه رفته اولن اوزه افع
بی مخفی او لا کج رفت اغا این بین عوایه سنه هن؛ اصل اولیع رخوی ایلار خ
رفت اغا ایک اکا رس بیا، بر وهم در عاسه اشیو سنه اینه اسدی طرفت ده
زهارت اینه بست بد ام دلور ایک عادل وضیول لزناح ولقد مریمه شد
مهارین براکه ان سلطه طرحات برازهه مهارین برازهه عذر هر
عذر هر اندس کن اون بیوی صاری فانزه سکن او ره بیوی ماچه کوزل
مقابلی فارکوزل هاری فاش دل مغلی هرچی اغا
رصعنه اغا این خ ان هوسي بن
ان هوسي
س به ام در فداه عادل وضیول لزناح ولقد هرچی بشو مکن و بولار
امه و ایک براکه برازهه عذر هرچی فانزه سکن ات برازهه کج فانزه کن
سو بود سکن امراهه جبریا فناام ضغور کراپی بکد اوغ فیض کلوب، بک قس
خور سمن بک این خ دکوره برازهه اغا
شمش
آن خ
آت برازهه کی فانزه سکن ات برازهه کی فانزه سکن فیض کلوب
فیض کلوب بک قص بیده فیض کلوب بک مکوره فیض کلوب بک قس
شاغان ایان خوانی این این فیض
این
سلطه خوم موکر فانزه سکن سلطه خوم صرا فانزه سکن فیض کلوب هن نزه
فیض کلوب بک مکوره فیض کلوب مکوره فیض کلوب هن نزه
سن اغا این صع ایل اغ ایان این فانزه
این
آس
آت برازهه کج فانزه کن کل ب هن هنچ ایانهه ایل سعکله بره بخی ایک ایک
سکن الون بکه سکن شایق فیض کلوب خونزرسه طاپوره ای مجه مولک بک هنی
و هنیه ایل ایلام اغا طح اغا این ایل بانک ایل هنی هری رفت
این حکم عرض ایان ایان زربا
این
س خونه ایل شکن ایل ایلندس ویس ایل ایلندس
خبارش

جعفر

مکانی
محمد ارشادی

مکه ندوک را بایسنیه باعجلبه هارجیه ندر
 فلم فعا سنه اسما علیه السلام
 مکه ندوک را بایسنیه باعجلبه هارجیه ندر
 این مغارف
 مکه ندوک را بایسنیه این مغارف
 مکه ندوک را بایسنیه باعجلبه هارجیه ندر
 این مغارف

سلیمان احمدیان فشنگ باهی سلیمان احمدیان فشنگ باهی	محمد رضا امیریان محمد رضا امیریان محمد رضا امیریان محمد رضا امیریان
--	--

المنفذ، ١٤٢٩، بيع الاول لخرين

۱۰ نهاده اخراج اصحابیل اشاره زویدم تو افغانستان سین مصالحه کنند حضور عده نهاده فاطمه
نهاده از امنیت من و همچنان خواه جهانگرد نهاده تو افغانی داده و مصطفی ابا زینه کلمه باده اعلام رسمی
نهاده بایکش بشویز عذر اسرا لاعنی حضور ابوبکر بن الاراء و نهاده اینجه سید و کوی
نهاده طلب ابرم داده و کویه فاطمه و داک اکابر بین شاهزاده و در حضرت عکس استونه نهاده
اسلامی محضرت بد از نهاده ابتدا بدرست په زمان دو رانک عادل و تعیین ائمه از نهاده
اول نهاده سیام نهاده

گل و نیش کنیه سندم ابا مصطفی
 اور تابوی و فاطما زاده ای
 ابن سینا
 غوث
 علی بن ابی طالب
 علی بن ابی طالب
 علی بن ابی طالب
 علی بن ابی طالب

خواه دنور کن سندم خواه دنور کن سندم
خواه دنور کن سندم خواه دنور کن سندم
خواه دنور کن سندم خواه دنور کن سندم
خواه دنور کن سندم خواه دنور کن سندم

حکای مذکور به سه نیم
سبن تکری اندی
ابن سبن
شنبن

سے پہلے اول بھائیوں کا

مکارہ